

نقد و معرفی کتاب انقلاب اسلامی ایران از دی ۱۳۵۶ تا بهمن ۱۳۵۷

## روزهای ماندگار؛ دی ۵۶ تا بهمن ۵۷

هرچند انقلابها - از جمله انقلاب اسلامی ایران- پدیده هایی خلع الساعه و یک شبه نمی باشند و دلایل و علل گوناگون و زیادی از سالها قبل از وقوع، بر روی هم انبار شده و سرانجام به شکل گیری چنین پدیدار عظیمی منجر می شوند، ولی مقاطع سرنوشت سازی وجود دارد که روند وقوع یک انقلاب را سرعت می بخشند. درانقلاب اسلامی ایران، مقطع دی ماه ۱۳۵۶ تا بهمن ماه ۱۳۵۷ از چنین اهمیتی برخوردار است؛ مقطعی بسیار سرنوشت ساز که تحولات و حوادث گوناگونی را در بر داشت.

سال ۱۳۵۶ در شرایطی آغاز شده بود که نزدیک به دوماه از روی کار آمدن جیمی کارتر، رئیس جمهور جدید ایالات متحده آمریکا، می گذشت؛ فردی که دفاع از آزادی و حقوق بشر جزو شعارهای انتخاباتی مهم وی بود.

در چنین شرایطی رژیم پهلوی که به عنوان متحد نزدیک دولت آمریکا، چهره ای منفور در زمینه نقض حقوق بشر در جهان شناخته می شد، تحت فشار دولت جدید آمریکا ناچار از اتخاذ سیاست فضای باز سیاسی شد. در این راستا بود که امیرعباس هویدا پس از ۱۳ سال نخست وزیری، جای خود را به جمشید آموزگار داد.

در دهه پنجاه شمسی، دوران درآمدهای حاصل از فروش نفت به علت اختناق سیاسی، فساد گسترده و ناکارآمدی دستگاههای مختلف کشور به جای اینکه موجب رفاه عمومی شود در عمل به فاصله های طبقاتی و گسترش نارضایتی ها دامن زد.

از سوی دیگر سیاستهای دین ستیزانه رژیم، قشرهای مذهبی جامعه را نیز به صف مخالفان اضافه کرد. خاطره سرکوب قیام خونین پانزده خرداد ۱۳۴۲ هنوز در اذهان زنده بود که در دی ماه ۱۳۵۶ و اندکی پس از سفر کارتر به ایران، روزنامه اطلاعات اقدام به درج مقاله ای توهین آمیز علیه امام خمینی کرد که با واکنش شدید مردم به ویژه طلاب مدارس علمیه در قم رو به رو شد و قیام ۱۹ دی ماه در قم شکل گرفت که در جریان آن عده ای زیادی کشته و زخمی شدند.

این اتفاق سلسله قیام هایی را به دنبال آورد که هریک در متزلزل ساختن هر چه بیشتر رژیم پهلوی بسیار موثر بود.

سال ۱۳۵۷ در شرایطی آغاز شد که به دلیل کشتارهای صورت گرفته در زمستان سال قبل، برخی از روحانیون عید نوروز سال جدید را عزا اعلام کردند.

نیمه اول این سال به ظاهر اوضاع آرام بود ولی این وضعیت آتش زیر خاکستر بود. ولی در مرداد این سال فاجعه آتش سوزی سینما رکس در آبادان که در جریان آن حدود چهارصد نفر جان باختند و به رژیم پهلوی نسبت داده شد، تحرک تازه ای در صفوف انقلابیون به وجود آورد.

در اوایل شهریور، جمشید آموزگار جای خود را به جعفر شریف امامی داد. وی با وعده های بسیار گسترده و جذابی بر سر کار آمد؛ از بازگرداندن تقویم هجری شمسی به جای تقویم شاهنشاهی تا مبارزه با مفاسد اقتصادی. بدون شک انتخاب مردی که خود به فساد اقتصادی شهره بود، نه تنها نتوانست اوضاع را برای رژیم پهلوی آرام سازد، بلکه دامنه نارضایتی ها را افزایش نیز داد.

شریف امامی که دولت خود را "دولت آشتی ملی" نامیده بود، خیلی زود در گیر حوادثی خونین شد.

نماز عید سعید فطر سال ۵۷ در شرایطی برگزار شد که قبل از آن راهپیمایی عظیمی برای اولین بار پس از سالها برگزار شد؛ تظاهراتی که بر اساس تخمین خبرنگار روزنامه اطلاعات بیش از سه میلیون نفر در آن شرکت کردند.

چند روز پس از برگزاری نماز عید فطر در تپه های قیطریه تهران - به امامت شهید دکتر مفتاح- از صبح روز جمعه ۱۷ شهریور، حکومت نظامی اعلام شد. بسیاری از مردم که در جریان این مساله قرار نگرفته بودند، در میدان زاله تهران (شهداء فعلی) تجمع از قبل برنامه ریزی شده خود را آغاز کردند ولی به سرعت مورد هجوم نظامیان قرار گرفتند. در این روز که به "جمعه خونین" مشهور شد، صدها نفر کشته و مجروح شدند.

این حادثه، موجی از اعتراضات را در کشور به وجود آورد. تا پایان شهریور ماه هر روز خبرهای فراوانی از اعتصاب کارکنان دستگاههای مختلف منتشر می شد.

همزمان با این رویدادها در داخل، دولت بعث عراق روز به روز محدودیتهای گسترده ای برای امام خمینی ایجاد می کرد؛ به طوری که ایشان ناچار از مهاجرت از عراق شدند. در حالیکه مقصد ابتدایی ایشان کویت بود، به دلیل ممانعت دولت کویت از ورود ایشان، به پاریس سفر کردند. مهاجرتی که یکی از نقاط عطف انقلاب بود.

۱۳ آبان این سال آستان حوادثی بس مهم بود. در این روز که مصادف با سالگرد تبعید امام خمینی به خارج از کشور در سال ۱۳۴۳ بود، تظاهرات گسترده دانشجویان و دانش آموزان در خیابان های اطراف دانشگاه تهران، با هجوم نیروهای نظامی و انتظامی به خاک و خون کشیده شد.

حوادث ۱۳ آبان چنان گسترده بود که محمدرضا پهلوی ناچار از حضور بر صفحه تلویزیون و تلاش برای آرام سازی جو شد. وی در این نطق تلویزیونی ضمن اعتراف به برخی از اشتباهات خود، جمله معروف خود - صدای انقلاب شما را شنیدم- را به کار برد و در عین حال اعلام کرد برای برقراری آرامش دولتی نظامی تشکیل می دهد .

به این ترتیب ارتشبد غلامرضا ازهاری به نخست وزیری منصوب شد هرچند دولت وی نیز مستعجل بود. دامنه تظاهرات و اعتصابها هر روز گسترده تر از قبل می شد و به تدریج امیدهای شاه کم رنگ تر از قبل می شد.

یکی از تدابیر رژیم برای آرام کردن مردم، بازداشت شماری از مقامات سابق مانند امیرعباس هویدا به اتهام فساد اقتصادی بود ولی دیگر برای این نوع کارها بسیار دیر شده بود.

در آذر سال ۵۷ که مصادف با ماه محرم بود، تظاهرات بزرگ تاسوعا و عاشورا برگزار شد؛ تظاهراتی عظیم که بی سابقه بود.

شاه تلاش زیادی کرد تا بتواند برخی از مخالفان قدیمی خود مثل جبهه ملی را مجاب به قبول تشکیل دولت کند ولی از این نکته غافل بود که فرمان انقلاب نه در دستان جبهه ملی که آیت الله خمینی بود. در این بین تنها شاپور بختیار بود که حاضر به تشکیل دولت شد. هرچند قبول نخست وزیری از سوی وی باعث اخراجش هم از حزب ایران و هم جبهه ملی شد.

شاه پس از مسقر شدن دولت بختیار در ۲۶ دی از کشور خارج شد و کمتر از یک ماه بعد، امام خمینی با استقبال بی نظیر مردم به کشور بازگشت.

در ۱۵ بهمن ماه، مهندس مهدی بازرگان از سوی ایشان به نخست وزیری دولت موقت انقلاب منصوب شد و سرانجام در روز ۲۲ بهمن به دنبال اعلام بی طرفی ارتش، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید.

### جملات برگزیده کتاب:

کسی که وارد این تشکیلات سیاسی نشود(حزب رستاخیز) . . . جایش در زندان ایران است . . . یا گذرنامه را دستش می گذاریم و به هرجایی که دلش میخواهد می رود . . . (از صحبت های شاه)-(ص ۳۲)

- ضرابی دادستان وقت، آمار کشته شدگان آتش سوزی در سینما رکس آبادان را ۳۰۶ نفر اعلام کرد. (ص ۹۴)
- شاه برای جلب رضایت رهبران مذهبی، چهار ژنرال ارتش خود را . . . برکنار کرد. (خبرگزاری آسوشیتدپرس - شهریور ۵۷) - (صفحه ۱۰۲)
- برنامه دولت شریف امامی، یک برنامه "تغذیه تمسناح" است. (ویلیام سولیوان-آخرین سفیر آمریکا در تهران) - (صفحه ۱۰۳)
- آشتی کنیم و خون عزیزان را هدر دهیم؟ (پیام امام خمینی درباره روی کارآمدن دولت شریف امامی) - (ص ۱۰۵)
- حکومت نظامی در تهران ... یک مبارزه طلبی آشکار با مخالفان بود. (نظر ویلیام سولیوان درباره اعلام حکومت نظامی در روز ۱۷ شهریور) - (ص ۱۱۰)
- مقامات دولت عراق ... از نفوذ (امام) خمینی در عراق بیمناک شده اند... (گزارش محرمانه ساواک در مهر ۵۷) - (ص ۱۲۰)
- گرچه تیراندازها بیشتر هوایی بود ولی برخی ماموران مستقیماً به سوی مردم تیراندازی کردند... (گزارش روزنامه آیندگان درباره حادثه ۱۳ آبان ۱۳۵۷) - (ص ۱۳۰)
- هر نوبت که سفرای انگلیس و آمریکا با من ملاقات می کردند، با همان بیان همیشگی خود می گفتند که ما شما را رها نخواهیم کرد. (شاه خطاب به ارتشبد عباس قره باغی) - (ص ۱۳۴)
- من از راه دور درود بی پایان خود را به ملت عظیم تقدیم می نمایم و در غم و شادی با آنان شریک و به آنان وفادارم. (پیام امام خمینی در شروع ماه محرم سال ۵۷) - (ص ۱۳۷)
- هنگامی که شاه رفت، افسران ارشد وی، گروه گروه، به دنبالش کشور را ترک گفتند. (ارتشبد حسین فردوست) - (ص ۱۵۲)
- آمدن آیت الله خمینی به هیچ وجه به مصلحت نیست. (ارتشبد عباس قره باغی در جلسه شورای فرماندهان ارتش در بهمن ۵۷) - (ص ۱۵۴)